

دعا از دیدگاه قرآن و روایات

دعا مسئله بسیار مهمی است که در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام به گونه گسترده ای مطرح شده است. در این باره، مباحث مختلف و سئوالات گوناگونی مطرح شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود: ۱- فلسفه دعا چیست؟ اگر ما مستحق اجابت هستیم، خداوندی که از آشکار و نهان ما و از برون و درون ما آگاهی دارد، بدون دعا نیز خواسته ما را برآورده می سازد و اگر استحقاق آن را نداشته باشیم، هر قدر دعا بکنیم تأثیری نخواهد داشت! به تعبیر دیگر، اگر شیء مورد درخواست به مصلحت ما باشد، خداوند بدون دعا نیز عنایت می کند و اگر به مصلحت ما نباشد، خداوند حکیم با اصرار هم مستجاب نخواهد کرد. پس ۱- فلسفه دعا کردن چیست؟ و دعا چه نقشی دارد؟ ۲- شرایط اجابت دعا چیست؟ چه کنیم تا دعاهایمان در درگاه ذات حق به هدف اجابت برسد؟ ۳- موانع استجاب دعاها چیست؟ چرا برخی از دعاها- علی رغم اصرار فراوان- به هدف اجابت مقرون نمی گردد؟ ۴- برترین دعا، چه دعایی است؟

دعا برترین عبادت

از آیات و روایات استفاده می شود که دعا نه تنها عبادت است، بلکه از برترین عبادتها به شمار رفته است. به منظور روشن تر شدن اهمیت دعا، به سه آیه از قرآن مجید و شش روایت از معصومان علیهم السلام اشاره می شود:

۱- خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره غافر (مؤمن) می فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند!

آیه شریفه، نخست به «دعا» تعبیر می کند؛ سپس در ادامه تعبیر را عوض کرده، از آن به «عبادت» یاد می کند.

چرا از «دعا» به «عبادت» تعبیر شده است؟

برخی گفته اند: برای اینکه عبادت به معنای مطلق دعاست و شاید تعبیر برخی از روایات: «الدَّعَا مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا روح و جان عبادت است» [۱] بدین جهت بوده است.

۲- خداوند متعال در آیه ۷۷ (آخرین آیه) سوره فرقان می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»، بگو: «اگر دعای شما نباشد، پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست؛ شما آیات خدا و پیامبران را [تکذیب کردید، و [این عمل] دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد».

این تعبیر- که خداوند بخاطر دعاهایتان به شما اعتنا می کند و برای شما ارزش قایل است- در سایر عبادت ها؛ مانند حج، روزه، جهاد و... به کار نرفته است. و تنها درباره دعا ذکر شده است؛ یعنی علی رغم گناهان فراوانی که انجام می دهید و فسادهایی که مرتکب می شوید، تنها چیزی که سبب ارج نهادن خداوند به شما می شود، دعاهای شماست؛ قدر و ارزش آن را بدانید.

۳- خداوند متعال در آیه ۱۸۶ سوره بقره، پس از بیان آیاتی درباره فضیلت و احکام ماه مبارک رمضان، می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ اجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو]: من نزدیکم؛ دعای دعاکننده را، به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید بنابر آیه شریفه: «تَحَنُّنٌ أَقْرَبُ إِلَيْكُمْ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، خداوند، نزدیک ترین کس به انسان است و حتی از رگ گردن یا رگ قلب نیز به انسان نزدیک تر است. [۲]

بی شک تعبیری ظریف و زیباتر از این برای قرب و نزدیکی بین خالق و مخلوق، عابد و معبود و بنده و مولا وجود ندارد.

بنابراین، با تفکر در آیات سه گانه درمی یابیم که دعا از نظر اسلام چقدر مهم شمرده شده است؛ به گونه ای که هم عبادت است؛ و هم باعث اعتنای خدا به انسان؛ و هم وسیله تقرب بنده به مولاست.

دعا در آئینه روایات

همان گونه که قبلاً ذکر شد، روایات فراوانی مسائل دعا را بررسی نموده که در این مختصر تنها به ذکر شش روایت بسنده می گردد:

۱- در روایتی وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

«الدُّعَا سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»؛ دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند، اسلحه انسان با ایمان و ستون (خیمه) دین و نور آسمان ها و زمین است. [۳]

آری؛ دعا در درگاه خداوند هرچند عبادتی است بی رنج و زحمت؛ لیکن از کلمات گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درمی یابیم که در نزد خداوند جایگاهی بس عظیم دارد که متأسفانه، انسان ها به جهت سهل و آسانی آن کمتر بدان توجه دارند.

۲- مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الدُّعَا مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»؛ دعا کلید رحمت خداوند و چراغ روشنی برای تاریکی های دنیا و آخرت است. [۴] دعا نه تنها دنیا، بلکه آخرت انسان را نیز روشن می کند.

۳- در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «عَمَلٌ أَلْبِرُّ كُلُّهُ نِصْفُ الْعِبَادَةِ وَ الدُّعَا نِصْفٌ»؛ تمام اعمال نیک انسان، تنها نیمی از عبادت است و نیم دیگر آن، دعا و راز و نیاز با معبود است. [۵]

۴- امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: «أَكْثَرُ مِنَ الدُّعَا فَأَنَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ نَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ لَا يَنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالدُّعَا وَ لَيْسَ بَابٌ يَكْثُرُ قَرْعُهُ إِلَّا يَوْشِكُ أَنْ يَفْتَحَ لِصَاحِبِهِ»؛ زیاد دعا کنید و در خواندن خدا اصرار کنید؛ زیرا کلید تمام رحمت ها و عامل پیروزی در هر حاجتی دعاست؛ نعمت ها و برکاتی که نزد

خداوند است، بدون دعا به کسی نمی رسد، و هیچ دری وجود ندارد مگر اینکه با اصرار و سماجت و پافشاری گشوده می شود. [۶]

بنابراین چنانچه دعا مستجاب نگردد، نباید سبب ناامیدی انسان شود؛ زیرا چه بسا خداوند می خواهد با دعا انسان را تربیت کرده، قلب و دل او را شستشو بدهد.

۵- امام صادق علیه السلام در روایت دیگری دعا را چنین توصیف می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»؛ هیچ عبادتی بالاتر از دعا نیست. [۷]

۶- حضرت علی بن موسی الرضا- علیهما السلام- می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، قِيلَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ»؛ شیعیان و پیروان اسلام! همواره به اسلحه پیامبران- که در کارها و برنامه های سخت تبلیغی بدان مسلح بودند- مسلح شوید. شخصی از آن حضرت پرسید: اسلحه پیامبران چیست؟ حضرت فرمود: دعا. [۸]

از مجموعه آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام روشن می گردد که دعا در اسلام جایگاهی بس عظیم دارد و از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

راز اهمیت دعا در اسلام

چرا دعا از نظر دین دارای چنین ارزش و اهمیتی است که بنا بر آیات و روایات، برترین عبادت، اسلحه مؤمن، ستون دین، نور آسمان ها و زمین، کلید رحمت، چراغ هدایت، نیمی از عبادات، رمز پیروزی، اسلحه انبیا، مایه ارج انسان در پیشگاه خدا و... به شمار می رود؟

اگر این تحفه و هدیه الهی را مورد دقت و بررسی قرار دهیم و آن را موشکافی کنیم، درمی یابیم که حقیقتاً، تمام این فضایل برای دعا سزاوار و شایسته است.

دعا آثار مهمتی در وجود انسان به ارمغان می آورد که مهم ترین اثر آن این است که انسان را تربیت می کند؛ و عامل خودسازی و تربیت انسان است.

تعلیم و تربیتی که بعثت انبیا بر آن نهاده شده و از مهم ترین اهداف بعثت به شمار رفته است. [۹] بی شک تعلیم مقدمه تربیت است. از این رو، هدف نهایی، تربیت شناخته شده است.

رابطه «دعا» و «تربیت»

دعا آثار تربیتی فراوانی دارد که به سه نمونه آن اشاره می شود:

۱- اولین اثر دعا، ایجاد نور امید در دل انسان ها است. انسان ناامید در دریف مرده ها قرار دارد؛ انسان بیمار اگر به سلامت خود امیدوار باشد، بهبود می یابد و اگر مایوس شود و چراغ امید در دلش خاموش گردد، دیگر امیدی به بهبودی او نیست. همان گونه که عامل اصلی پیروزی جنگجویان در میدان جنگ، امید و روحیه است. از این رو، سربازان ناامید اگر پیشرفته ترین سلاح های جنگی را نیز داشته باشند، بازنده میدان جنگ خواهند بود.

دعا در دل انسان نور امید می تاباند، انسانی که اهل دعا و متکی به خداوند است - علی رغم مشکلات زیاد؛ دشمنان جسور، فقر مالی و... - اگر به درگاه خداوند روی آورد و به او امید ورزد و با او راز و نیاز کند، نور امید در دلش زنده می شود و به زندگی امیدوار می گردد و گویی حیات دوباره ای می یابد؛ چه اینکه این انسان دست نیاز به سوی کسی دراز نموده که مشکل ترین کارها در نزد او آسان ترین است. خدایی که اصلاً مشکل و آسان برای او معنا ندارد؛ زیرا مشکل یعنی چیزی که بالاتر از مقدار قدرت و آسان، یعنی چیزی که کمتر از آن است. آیا چیزی را می یابید که فوق قدرت خداوند باشد؟! بنابراین، برای خداوند مشکل و آسان تفاوتی ندارد او هرچه را اراده کند، در یک لحظه می آفریند اگرچه میلیون ها خورشید همانند خورشید خاکیان باشد! وقتی انسان به درگاه چنین قادر و عالمی روی می آورد و با او درد دل می کند و در مقابلش به سجده می افتد و برایش اشک می ریزد و مشکلاتش را به او عرضه می دارد، بی شک خداوند نور امید را در دل او تجلی می دهد.

۲- دومین اثر دعا ایجاد نور تقوا در وجود انسان است.

تقوا؛ سبب تقرب انسان به درگاه الهی است. [۱۰]

تقوا؛ زاد و توشه ای است که سبب نجات انسان در جهان آخرت می گردد. [۱۱]

تقوا؛ برات و گذرنامه بهشت است. [۱۲]

آن گاه دعا، نور چنین گوهر ارزشمندی را در دل انسان زنده می کند. وقتی انسان دست به دعا برداشته، به درگاه خداوند توسل می جوید و خدا را با آسمای حسنی و صفات جلال و جمالش می خواند، آن صفات بازتابی در وجود انسان خواهد داشت و طبعاً انسان را به سمت خداوند سوق می دهد؛ به گونه ای که انسان احساس می کند که اگر بخواهد دعایش مقرون به اجابت شود، باید توبه کند. دعا انسان را به توبه فرامی خواند و توبه او را به تجدید نظر در زندگی، و در نتیجه سیر این حرکت نور تقوا را در زندگی انسان زنده می گرداند.

در حدیث جالبی آمده است: «آن دسته از افرادی که پیوسته - چه در حال گرفتاری و چه در حال آسایش و آرامش - با خداوند راز و نیاز دارند، در هنگام مشکلات و گرفتاری ها وقتی خداوند را می خوانند فرشتگان می گویند: «این صدا آشنا است مشکل او را حل کنیم»؛ ولی وقتی صدای انسان هایی را می شنوند که تنها به هنگام گرفتاری ها و سختی ها و ناراحتی ها دعا می کنند، آن صدا برای فرشتگان ناآشناست». [۱۳]

حضرت علی علیه السلام در خطبه ارزشمند همّام، در شرح حال متّین می فرماید:

«نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ»؛ پرهیزکاران کسانی هستند که در حال رخا و آسایش

و آرامش همان گونه هستند که در حال بلا و سختی و گرفتاری هستند. [۱۴]

خداپرستی و راز و نیاز فرعون که در حال غرق شدن «یا الله» می گوید، هیچ فایده ای ندارد. به همین

جهت، در آن هنگام جبرئیل در پاسخ فرعون مشتکی از لجن ته رودخانه را به دهانش می کوبد. [۱۵]

۳- سومین اثر تربیتی دعا، تقویت نور معرفت است. وقتی انسان به درگاه خداوند روی می آورد، در این فکر فرو می رود که او بر همه چیز توانا و قادر است و اسرار درون و برون ما را می داند. این مطلب سبب می شود که سطح معرفت انسان بالا برود؛ مخصوصاً اگر دعاهایی همچون: صحیفه سجّادیه، مناجات شعبانیه، صباح، کمیل و ندبه خوانده شود که اینها بالاترین درس های عرفان اسلامی است و با وجود این منابع معتبر شایسته نیست طالب عرفان در پی کتاب های مشکوک برود.

بنابراین، دعا نور امید، نور تقوا و نور معرفت را در دل انسان زنده می کند.

پرسش: در دعای ماه رجب- که خواندن آن پس از هر نمازی مستحب است- می خوانیم: «یا مَنْ یُعْطِ مَنْ سَأَلَهُ، یا مَنْ یُعْطِ مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ»؛ ای خدایی که به دعاکنندگان و به کسانی که دعا نمی کنند، به عارفان و به کسانی که تو را نمی شناسند، عطا می کنی و نعمت می دهی.

بر اساس این قسمت از دعای ماه رجب، خداوند به همه انسان ها- چه کسانی که خداشناس باشند و چه نباشند، چه کسانی که دعا کنند و چه نکنند- نعمت عطا می کند. بنابراین، چه نیازی به دعا و توسل است؟.

پاسخ: فیض برکات خداوند اقسام و انواعی دارد: بخشی از آن را خداوند به همه انسان ها عطا می کند، همانند باران که در هنگام نزول کافر و مؤمن، عارف و غیرعارف و... همه از آن بهره مند می شوند.

بخش دیگر آن، برکاتی است که تنها به اهل معرفت عطا می شود و غیر مؤمن مشمول آن نمی گردد. و بخش سوم، نعمت هایی است که تنها دعاکنندگان از آن بهره می برند.

در روایتی آمده است: «در نزد خداوند کراماتی است که جز به دعا به کسی نمی دهند». [۱۶]

بنابراین، تنها بخش اول است که شامل همه می شود؛ ولی بخش دوم و سوم، ایمان و دعا در آن مؤثر است.

موانع و شرایط استجاب دعا

چرا برخی از دعاها مستجاب نمی شود؟ چرا وعده خداوند در مورد استجاب دعا تحقق نمی یابد؟ آیا اشکال - نعوذ بالله - از جانب خداوند است یا از جانب دعاکنندگان؟

این شبهات در عصر ائمه علیهم السلام نیز برای اصحاب و مسلمانان مطرح بوده است.

آنها نیز این گونه شبهات را در روایات متعددی در محضر آن بزرگواران مطرح می کردند و ائمه علیهم السلام نیز به آنها پاسخ می گفتند.

از مجموعه این روایات و روایات دیگری که در این زمینه، بدون طرح سؤال، وارد شده است، به دست می آید که وعده الهی در مورد مستجاب شدن دعاها بی قید و شرط نبوده است، بلکه دعا دارای شرایطی است که دعاکنندگان باید شرایط دعا را تحصیل، و موانع آن را از سر راه خود بردارند.

بنابراین، اگر دعاکننده بدون برطرف کردن موانع و به دست آوردن شرایط، دعایی کرد و به هدف اجابت نرسید، نباید جز خود، کسی دیگر را ملامت کند.

دعاکننده ای که واجد شرایط نیست به بیماری می ماند که نزد پزشکی می رود و بیماری خویش را برای او شرح می دهد، سپس پزشک نسخه ای برایش می نویسد و به او می گوید: «اگر به این نسخه عمل نمایی سلامت خود را باز می یابی». بیمار پس از چندی به پزشک مراجعه می کند و با عصبانیت و ناراحتی به او اعتراض می کند که: «این نسخه شما سر سوزنی در مداوای بیماری من تأثیر نداشت! این چه نسخه ای است و شما چه پزشکی هستید؟! پزشک می پرسد: «آمپول هایی که تجویز کردم، یک روز در میان تزریق نمودی؟» بیمار می گوید: «آری؛ لیکن با فاصله دو روز در میان تزریق نمودم»!

پزشک می گوید: «آیا از کپسول های «آنتی بیوتیک» که قرار بود هر ۸ ساعت یک بار بخوری، استفاده کردی؟» مریض جواب می دهد که: «فقط روزی یک کپسول خوردم!» پزشک می پرسد: «آیا چهار روز استراحت که برایت نوشته بودم، انجام دادی؟» مریض: «نه آقا! با این وضع گرانی مگر می شود استراحت کرد، از همان روز اول مشغول کار شدم».

پس از این سؤال و جواب ها، پزشک سری تکان می دهد و به مریض می گوید:

«نسخه من اشکالی نداشته است، بلکه شما مریض محترم طبق شرایط به آن نسخه عمل ننمودی؛ در نتیجه سلامت خود را نیافتی و جز خود، هیچ کس دیگر را نباید سرزنش کنی».

همچنین اگر متخصص اصلاح بذر به یک کشاورز، بذری بدهد و به او بگوید:

«اگر با شرایط خاصی بذرافشانی کنی، محصول قابل توجهی به دست خواهی آورد» و کشاورز بذرها را بپاشد و حتی یک دانه هم سبز نشود، بی شک شرایطی که متخصص بذر گفته بود، او عمل نکرده است؛ مثل اینکه به موقع آبیاری، دفع آفات، کودپاشی و... را انجام نداده باشد. در اینجا نیز جز کشاورز کس دیگری مقصر نیست.

عزیزان! روزه داران محترم! خواهران و برادران گرامی! دعاهای ما نیز مانند بذری است که تنها افشاندن آن در زمین کافی نیست، بلکه به آبیاری، مراقبت و محافظت و برطرف کردن آفات و موانع نیز نیازمند است. بر اساس آنچه در روایات آمده باید شرایط دعاها را فراهم کرد و موانع آن را برطرف ساخت؛ ولی متأسفانه، انتظار داریم بدون رعایت شرایط و برطرف کردن موانع، دعاهای ما اجابت شود که این انتظار امری غیر معقول.

در این نوشتار به برخی از شرایط و موانع استجاب دعا اشاره می شود:

۱- عدم معرفت خدا مهم ترین مانع اجابت دعا

یکی از مهم ترین موانع اجابت دعا، عدم معرفت خداوند است، به عبارت دیگر، یکی از شرایط اساسی استجاب دعاها، شناخت خداوندی است که خوانده ماست و از او می خواهیم که دعای ما را اجابت کند. مگر می شود انسان از کسی چیزی بخواهد که او را نشناسد؟!

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که: عده ای از نزدیکان و اقوام آن حضرت علت مستجاب نشدن دعاها را از حضرتش پرسیدند. حضرت در جواب فرمودند: «لِإِنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ؛ عِلَّتْ أَيْنَكُمُ دَعَاؤُهُمْ بِأَنَّكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ» [۱۷].

دعاها به اجابت نمی رسد، این است که شما کسی را می خوانید که نسبت به او معرفت ندارید» [۱۷].

بنابراین، همانطور که قبلاً گذشت، دعا نور معرفت را به ارمغان می آورد و معرفت پایه اساسی دعاست؛ یعنی این دو تأثیر متقابل در یکدیگر می گذارند.

همان گونه که خداوند در قرآن مجید درباره نماز می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نَمَازُ الْإِنْسَانِ رَأْسُ زَكَاتِهِ وَكَفَّارَةُ ذُنُوبِهِ» [۱۸]؛ یعنی جامعه نمازخوان، آلوده به معصیت و گناه نمی شود؛ خانواده معتقد به نماز، از آلودگی ها بدور است، فرد نمازخوان گناه مرتکب نمی شود. و خلاصه، نماز بیمه از گناهان است.

با ملاحظه آیه شریفه، چرا بعضی از نمازگزاران مرتکب گناه می شوند؟ آیا اشکال - نعوذ بالله - از آیه شریفه است؟ خیر! اشکال از نمازگزار است، اگر نمازگزار نداند برای چه نماز می خواند و در مقابل چه کسی سر به سجده می نهد، نماز او نمی تواند او را از انجام گناه باز دارد؛ زیرا بازداشت از گناه، نیاز به معرفت الهی دارد. شناخت خداوند گوهر گرانبهایی است که شرط بسیاری از عبادت ها است، بلکه شرط زیارات نیز می باشد؛ چه اینکه آثار و ثواب زیارت ها برای کسی در نظر گرفته شده است که زیارت بامعرفت انجام دهد. [۱۹]

بنابراین، شرط اول اجابت دعا، شناخت صفات جلال و جمال و فعل و اسماء الله الحسنی است که هر کس باید به اندازه توان خود این شناخت را به دست آورد.

۲- نیت صادق و قلب مخلف

دومین شرط اجابت دعا، نیت صادق و پاک؛ و قلب با اخلاص و بدون ریا است.

به این مناسبت امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده است: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَ قَلْبٍ مُخْلِصٍ اسْتُجِيبَ لَهُ بَعْدَ وَفَائِهِ بِعَهْدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ هنگامی که بنده خدا، با نیت صادق و پاک و

قلبی پر از اخلاص و صفا به درگاه خداوند روی آورد بعد از آن که به عهد و پیمانی که با خداوند منان داشته، عمل نماید، خداوند دعای او را مستجاب می گرداند. [۲۰]

عمل به عهد و پیمان خداوند- که همان صفای دل و اخلاص نیت است- شرط قبولی دعاست.

باید توجه داشت که چگونه دعا انسان را تربیت می کند. برای قضای حاجت و حل مشکل به در خانه خدا می رویم، ولی می دانیم بدون اخلاص نیت و صفای قلب این امر امکان پذیر نیست به همین جهت باید در پی خودسازی و تربیت خود باشیم.

۳- غذای حلال شرط مهم و سخت اجابت دعا

در این باره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایت بسیار زیبا و هشداربازی می فرماید: «اطِبُّ كَسْبَكَ تُسْتَجَابُ دَعْوَتُكَ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ يَرْفَعُ إِلَىٰ فِيهِ حَرَامًا فَمَا تُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»؛ کسب و درآمدت را پاک کن تا دعاهایت مستجاب شود؛ زیرا یک لقمه حرام باعث می شود که دعا تا چهل روز مستجاب نشود. [۲۱]

برخی از مردم کسب و کارشان آلوده به حرام، کم فروشی، ربا، ظلم به دیگران، و عدم رسیدگی به وجوهات شرعی است. با این وضعیت دعا می کنند و توقع دارند دعاهایشان مستجاب شود.

از کلام گهربار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز برمی آید که دعا عامل مهم تربیت به شمار می رود و انسان را وادار به رعایت حرام و حلال می کند.

انصافاً، رعایت حرام و حلال در زندگی نقش بسزایی دارد. اگر این مهم رعایت شود این همه دعوا و پرونده در دادگستری ها نخواهد بود. اگر مردم حرام و حلال را مراعات کنند، این همه فقیر و نیازمند در جامعه نخواهیم داشت. ولی افسوس که برخی به بهانه های واهی از این مهم غفلت می کنند و می گویند:

«کجاست حلال و حرام؛ حلالی یافت نمی شود تا آن را بیابیم!»

یکی از همین انسان های توجیه گر می گفت: «اگر چیز حلالی می خواهی، آن فقط آب باران است آن هم در وسط رودخانه هنگامی که باران باریدن گرفت دهانت را باز کنی تا قطرات باران مستقیم وارد دهانت شود؛ چون هم باران حلال است و هم کف رودخانه که ایستاده ای ملک غصبی نیست!».

در واقع این گونه انسان ها با این بهانه ها، سر خود را کلاه می گذارند (يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ) [۲۲] به عبارت دیگر، آنها نوعی مغالطه کرده اند؛ زیرا سخن در حلال و حرام ظاهری است و آنها از حلال و حرام واقعی سخن می گویند، در حالی که ما مأموریم به ظاهر عمل کنیم.

مگر ائمه ما از همین بازار مسلمانان نوشیدنی ها و خوردنی های خویش را تهیه نمی کردند؟! در عین این که ظاهر احکام شرع را پایبند بودند و عمل می کردند؛ ولی از مسائلی که احتیاط در آن سزاوار بود، پرهیز می کردند؛ مثلاً از نان و گوشت بازار، بدون پرداخت زکات استفاده نمی کردند. شایسته است ما نیز مقدار نان و گوشتی را که در یک سال استفاده می کنیم، محاسبه کرده زکات آن را به فقرا بپردازیم؛ چه اینکه بسیاری از کشاورزان و دامداران - متأسفانه - زکات اموال خود را نمی پردازند و ما نیز در استفاده از اجناس آنها مبتلاییم. اگرچه به سبب ندانستن، معذوریم؛ لیکن اثر وضعی خود را خواهد گذاشت. پس محاسبه زکات آن امری نیکو شمرده شده است و سبب پاکی قلب و نورانیت دل می شود.

نتیجه این که، تغذیه حلال نه تنها در دعا مؤثر است، بلکه در تمام عبادت های انسان نیز تأثیر دارد؛ در نماز، روزه، حج، زیارت های واجب و مستحب و مانند آن نیز قطعاً اثر می گذارد و از طرفی، غذای حرام نه تنها مانع استجاب دعا می شود، بلکه نشاط و روحانیت عبادت و زیارت را نیز سلب می کند و انسان دیگر از قرائت قرآن و اقامه نماز و مانند آن، لذت نمی برد.

۴- حضور قلب

چهارمین شرط اجابت دعا، حضور قلب است، روشن است که این شرط بسیار با ارزش است؛ چه این که در روایتی آمده است: «سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ فَقَالَ: كُلُّ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ أَغْظَمُ

فَفَرَّغْ قَلْبَكَ مِنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ وَ ادْعُهُ بِأَيِّ اسْمٍ شِئْتَ»؛ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اسم اعظم سؤال شد. حضرت فرمودند: «تمام اسم های خداوند اعظم است، قلبت را از ما سوی الله خالی کن، سپس به هر نامی از اسماء الله که می خواهی خدا را بخوان، همان اسم اعظم است.» [۲۳]

از این روایت استفاده می شود که اسم اعظم- آن گونه که بعضی ها تصوّر می کنند- یک لفظ نیست که انسان آن را بر زبان جاری سازد و مشکلاتش حل شود، بلکه اسم اعظم حالت و صفت خاصی است که باید در درون انسان ایجاد شود و آن، پاک کردن خانه دل است. [۲۴]

وقتی قلبی کانون بت هاست؛ بت مال، بت مقام، بت شهرت، بت زن و فرزند و مانند آن؛ و از درون این بت خانه دعا صورت گیرد، روشن است که این دعا مستجاب نمی شود. نخست باید همچون ابراهیم و علی بت شکن برخیزیم و تمام این بت ها را از خانه دل بیرون کنیم. آن گاه با هر یک از نام های خدا که او را بخوانیم، دعایمان مستجاب خواهد شد.

با توجه به شرایط چهارگانه دعا، آیا ما این شرایط را فراهم کرده ایم؟ آیا غذای پاک، قلب خالی از اغیار، صفا و اخلاص نیت و معرفت و شناخت خداوند را تحصیل کرده ایم؟

اگر فاقد این شرایط هستیم، باید در راه تحصیل آن بکوشیم. مخصوصاً، در ماه مبارک رمضان- که ماه رحمت و لطف الهی است و روح انسان آمادگی بیشتری دارد- فرصت بسیار مناسبی برای دعا و تحصیل شرایط وجود دارد.

اجابت برخی از دعاها به مصلحت انسان نیست!

اگرچه ما موظّف به دعا هستیم و باید نسبت به اجابت آن هم امیدوار باشیم؛ ولی باید توجه داشت که برخی اوقات اجابت بعضی از دعاها به مصلحت انسان نیست، گاهی از اوقات انسان خیال می کند که سعادت او در اجابت دعاست، در حالی که خداوند از روی آگاهی می داند که شقاوت و هلاکت و نابودی او در آن است، اینجاست که چنین دعاهایی اجابت نمی شود.

در این زمینه، داستان عبرت آمیز و تکان دهنده ثعلبه انصاری که با اصرار فراوان بر خواسته اش - که به مصلحت او نبود- پافشاری کرد و اجابت آن باعث بی ایمانی و اعتراض به برخی قوانین الهی شد، درس بزرگی برای همگان است. [۲۵]

گاهی جوانی به خواستگاری دختری می رود و جواب منفی می شنود، او التماس و درخواست زیادی می کند؛ لیکن با دعاهای فراوان هم ازدواج او صورت نمی گیرد. دلشکسته و ناراحت به زندگی ادامه می دهد. بعد از مدتی متوجه می شود که خداوند چه لطف بزرگی به او کرده که دعایش را اجابت نکرده است، زیرا شاید ثمره آن ازدواج چیزی جز فرزندان فلج نبوده است.

بنابراین، از اجابت نشدن برخی از دعاهایمان نگران نباشیم، زیرا امکان دارد دعای مورد نظر از همین قبیل باشد و علاوه بر آن، بنابر روایات معصومان علیهم السلام:

«دعاهایی که در دنیا مستجاب نمی شود، خداوند در آخرت معادل آن را به دعاکننده عطا می کند». [۲۶]

دو سؤال مهم درباره دعا

سؤال اول: در دعاهایی که از ائمه معصومان علیهم السلام به ما رسیده است، دعاهایی می بینیم که هرگز مستجاب نخواهد شد. چرا ائمه علیهم السلام دستور داده اند که چنین دعاهایی را بخوانیم؟ مثلاً در دعاهای ماه رمضان - که به عنوان تعقیب نماز خوانده می شود- آمده است: «اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ؛ پروردگارا! بدهی تمام بدهکاران و وام تمام وام گیرندگان را عطا بفرما» در حالی که این خواسته تحقق نمی یابد مخصوصاً، در عصر و زمانی که ما زندگی می کنیم؛ زیرا زندگی دنیای فعلی به گونه ای است که همه مردم برای خود وام و بدهکاری فراهم می کنند و اساساً، دنیای بدون بدهکاری و وام خیالی بیش نیست. بنابراین، هدف از این گونه دعاها چیست؟

پاسخ: وام و بدهکاری بر دو قسم است؛ نخست وام‌ها و بدهکاری‌هایی که زمینه پرداخت آن فراهم است؛ مثل وام‌هایی که تجار و کسبه می‌گیرند و معاملاتی انجام می‌دهند و تا زمان قسط آن نیز مال مورد نظر را می‌فروشند و بدهکاری را می‌پردازند، یا وام‌هایی که افراد حقوق‌بگیر دریافت می‌کنند و از محل حقوق خود آن را می‌پردازند.

قسم دوم وام‌هایی است که زمینه پرداخت ندارد و در عین حال، انسان مجبور به گرفتن آن است و در پرداخت آن عاجز و ناتوان می‌شود. ظاهراً منظور از دعای فوق وام‌های قسم دوم است نه اول.

در وام‌های قسم دوم، نه تنها دعا برای اجابت آن پسندیده و اجابت آن امکان‌پذیر است، بلکه بنابر دستورات اسلام، باید برای تحقق آن گام‌های عملی نیز برداشته شود؛ چه اینکه در یک جامعه اسلامی کامل - که همان جامعه امام‌زمانی است - حتی یک گرسنه هم نباید وجود داشته باشد. «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ». یک برهنه نباید باشد، «اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرْيَانٍ». یک فقیر و نیازمند نباید باشد؛ «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ». و نهایتاً یک بدهکار نیز نباید باشد.

شاهد این مطلب روایت مفصّلی است به این مضمون که از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «خداوند دقیقاً نیاز نیازمندان را محاسبه کرده و به مقدار نیاز آنها در اموال ثروتمندان زکات قرار داده است.

اگر نیاز فقرا بیشتر بود، خداوند مقدار زکات را بیشتر می‌کرد. [۲۷]

یعنی اگر همه مردم به قوانین الهی عمل کنند و وجوهات شرعی خود را بپردازند، گرسنه‌ای یافت نخواهد شد. و اگر اکنون گرسنگان و برهنگان و فقرایی در سطح جامعه دیده می‌شوند، به خاطر نافرمانی و سرپیچی ثروتمندان از دستورات الهی و نپرداختن وجوه شرعی است بنابراین، در جامعه امام‌زمانی، نه گرسنه‌ای یافت می‌شود؛ نه برهنه‌ای وجود دارد؛ نه فقیر و نیازمندی خواهد بود، و نه بدهکار و وامانده‌ای می‌یابید و دعا در رفع این گرفتاری‌ها دور از اجابت نیست.

سؤال دوم: یکی از اعمال شبهای پرفضیلت و با ارزش «قدر» مراسم قرآن بر سر نهادن است مگر نه اینکه قرآن بسان نسخه طبیب پیام‌آور شفای مرض هاست؛ همان گونه که در آیه ۸۲ سوره اسراء نیز می‌خوانیم:

«و نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم.

بنابراین قرآن همچون نسخه طبیب، در صورتی شفا بخش است که به آن عمل شود، پس چرا به ما دستور داده اند تا در شب های قدر به هنگام دعا کردن قرآن را بر سر بگذاریم؟

پاسخ: قرآن دو جنبه دارد و نسخه طبیب یک جنبه. از آن جا که قرآن مجید کلام خداوند است، از طرفی، الفاظ آن نیز ذاتاً مقدس است. به همین جهت، مسلمانان معتقدند که بدون وضو نباید الفاظ قرآن را لمس کرد؛ و از طرف دیگر، محتوا و مضمون آن نیز مقدس می باشد. از این رو، قرآن را «ثقل اکبر» و اهل بیت علیهم السلام را «ثقل اصغر» معرفی کرده اند. بنابراین، مقایسه قرآن مجید با نسخه طبیب نادرست است. البته خود این عمل (قرآن بر سر نهادن) پیام هایی دارد: از جهت ظاهر، باید بیاموزیم که نباید قرآن را زیر دست و پا قرار دهیم و از جهت باطن و محتوا، به ما می آموزد که باید این کتاب آسمانی را سرلوحه اعمال خود قرار دهیم و به قوانین و دستورات آن پیوسته عمل نماییم و احکام آن را به فراموشی نسپاریم.

پی نوشت ها

[۱] میزان الحکمه، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۱۹.

[۲] سوره ق: آیه ۱۶.

[۳] کافی، جلد ۲، ص ۴۶۸.

[۴] بحار الانوار، جلد ۹۰، ص ۳۰.

[۵] میزان الحکمه، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۳۳.

[۶] میزان الحکمه، باب ۱۱۹۶، حدیث ۵۵۸۵.

[۷] میزان الحکمه، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۱۶ و ۵۵۳۲.

[۸] کافی، جلد ۲، ص ۴۶۸.

[۹] سوره جمعه: آیه ۲.

- [۱۰] سوره حجرات: آیه ۱۳.
- [۱۱] سوره بقره: آیه ۱۹۷.
- [۱۲] سوره مریم: آیه ۶۳.
- [۱۳] میزان الحکمه، باب ۱۱۹۴، حدیث ۵۵۶۳.
- [۱۴] نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.
- [۱۵] تفسیر مجمع البیان، جلد ۵، صفحه ۱۳۱، ذیل آیه شریفه ۹۲ سوره یونس.
- [۱۶] میزان الحکمه، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۲۱.
- [۱۷] بحار الانوار، جلد ۹۰، صفحه ۳۶۸.
- [۱۸] سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
- [۱۹] نمونه‌ای از این روایات، در کتاب وسایل الشیعه، ج ۱۰، ابواب المزار، باب ۸۲ آمده است.
- [۲۰] مکارم الاخلاق، جلد دوم، صفحه ۸۷۴.
- [۲۱] مکارم الاخلاق، ج ۲، صفحه ۲۰.
- [۲۲] سوره بقره، آیه ۹.
- [۲۳] بحار الانوار، ج ۹۰، صفحه ۳۲۲.
- [۲۴] توضیح بیشتر پیرامون «اسم اعظم» را در تفسیر نمونه، جلد ۷، صفحه ۳۰ و جلد ۲۳، صفحه ۳۱۰ و جلد ۱۵، صفحه ۴۷۰، مطالعه فرمائید.
- [۲۵] شرح این داستان در بحث‌های گذشته به طور مفصل مطرح شد.
- [۲۶] در این مورد روایات فراوانی وارد شده است که دعا بدون اثر نیست، به میزان الحکمه، باب ۱۲۰۹ مراجعه کنید.
- [۲۷] وسایل الشیعه، جلد ۶، ابواب الزکاة، باب ۱، حدیث ۲ و ۳ و ۶ و ۹؛ شرح برخی از روایات مذکور، در بحث‌های گذشته از نظر شما گذشت.

منبع: مثال‌های زیبای قرآن، ج ۱، ص: ۲۷۲، آیت الله مکارم شیرازی